



هفته نامه طنز مردم مشهد
شیمه روزنامه شهرآرا
شماره دوازدهم | تاریخ: ۱۹ مهر ۱۳۹۷
palakmoon.tanz

مهدی
استاد احمد



تو که اهل مَدی فیلترن نکن خب
چه جین پوشی شدی، فیلترن نکن خب
وزیر خنده‌رو، لطفاً از این پس
خودی را ببخودی فیلترن نکن خب

آذری جهرمی گفت: خودی‌ها از
سلاح ناامید کردن مردم استفاده
می‌کنند.



کارتون

حسن فتحی : علاقه‌مند به ساخت فصل چهارم شهرزاد هستم.



جیک و پوک

بخاری را روشن کنید!

برخی مدیران در مشهد روشن کردن وسایل گرمایشی مدارس را به ابلاغ بخشنامه آموزش و پرورش منوط کردند!

بخاری بود خاموش و مَصادِر مجوز را نمی‌کردند صادر درون دفترش پای بخاری نشسته هر مدیر آسوده‌خاطر از این غافل که شاگردان او در کلاس بی‌بخاری گشته حاضر کسی در فکر فرزندانمان نیست کسی خود را نمی‌داند مقصر درون روستاها درس خواندند در آغل پیش گاو و مرغ و قاطر دودس افسوس دارد این شرایط و آن هم توی دوران معاصر! به مکتب‌خانه بهتر بود اوضاع چرا این‌طور شد در عصر حاضر؟ نباشد ایمنی توی مدارس و کاری بر نمی‌آید ز مبصر بخاری یا که خاموش است یا هست بدون رادیات و پیچ و واشر به شین‌آباد جان بچه‌ها سوخت به مشهد مدرسه باشد فریزر! به «گرماش» سندج ریخت دیوار به روی دانش‌آموز مجاور در ایران این قبیل از اتفاقات نباشد ظاهراً یک امر نادر نشد تجهیز بسیاری مدارس به آب و برق و گاز و کامپیوتر بخاری را فقط روشن نمایند نمی‌خواهیم امکانات فاخر!



ارمغان
زمان فشمی

من همه‌اش گیم‌اور می‌شوم

سیامک مره صدق، نماینده‌ای که عکس بازی موبایلی‌اش توی مجلس حسابی سروصدا کرده بود، گیم‌اور شد. این نماینده مجلس که هنگام برگزاری جلسه علنی مجلس، سخت مشغول گذراندن یکی از مراحل حساس بازی بود ناگهان در نطقی آتشین گفت: «قایان! چرا این‌قدر همه‌مه است. من نمی‌فهمم چرا نباید ۲ دقیقه تمرکز داشته باشیم. من همه‌اش دارم گیم‌اور می‌شوم. ۲ دقیقه این FATF را بگذارید کنار و به Clash of clans ها رسیدگی کنید!» پس از این نطق آتشین، یکی از نمایندگان که فیلم شوخی دستی‌اش معروف است، در واکنش به مره صدق گفت: «هن از بازی موبایل و تبلت حوصله‌ام سر میره. بازی فقط فیزیکی». پس از این اظهارات نمایندگان با گفتن احسنت احسنت خواستار تعطیلی مجلس به مناسبت روز جهانی کودک شدند.



املاکی‌های کانادا نامردند

این هفته نامهای از زمان مدیریت آقای محمود خاوری منتشر شد که طی آن نامه، ایشان از لزوم مبارزه با فساد سخن گفته بود. واقعاً ما نمی‌دانیم طی این نامه قرار بوده است طبق حکایت ادب از که آموختی از بی‌ادبان، رفتار شود یا خیر اما به‌رحال همان‌طور که می‌بینید ایشان با وقاحت در چشمان همه ما نگاه کرده و این چیزها را نوشته است. اما با بررسی تیم خبری ما مشخص شد پشت این نامه هم آقای خاوری چیزهایی نوشته بوده که از دید عموم مغفول مانده است. آقای خاوری در پارافه که پشت این نامه کرده نوشته است: «فساد نکنید! اگر هم می‌کنید بی‌سروصدا بکنید و حتماً از قبل خانه و محله‌تان را توی کانادا مشخص کنید، کانادا املاکی‌هایش نامردند و ممکن است خانه‌ها را گران بهتان ببندازند!»



- هییییی هییییی!
- چی‌کار می‌کنی آدم حسابی؟ اومدی با من مصاحبه کنی یا شبیه بکشی؟
- آقای چاوشی، می‌خواستم ارادت خودم رو به شما ثابت کنم، خودتون گفته بودین شبیه بکش گاهی!
- این از پایین بودن سطح درک شماست. شعر رو درست متوجه نشدی.
- من هر چی با خودم فکر کردم به این نتیجه رسیدم شاید برای اینکه مشخص باشه هر خواننده‌ای چقدر هوادار داره این اتفاق افتاده، مثلاً چون اون آدم معلوم‌الحال از هوادارهاش خواسته بغیغو کنن، شما هم خواستی هوادارهاش مثل اسب شبیه بکشن تا اگه جایی کل‌کلی پیش اومد مشخص باشه هر کی چقدر هوادار داره.
- ...
- چرا سکوت کردین آقای چاوشی؟
- دارم تمرین می‌کنم. تمرین کنم باید دیوار بودن رو.
- حالا نمی‌شه تمرین دیوار بودنتون رو بعد از مصاحبه انجام بدین و جواب ما رو بدین؟ شما در جای دیگه‌ای از ترانه‌هاتون گفتین: «گریه غرق خواهد کرد، اسب‌های آبی را». چرا از همه‌جا اسب آبی؟ چرا اسب قرمز نه؟ آیا درسته که شما زیرپوستی می‌خواستین اعلام کنین که استقلالی هستین؟
- این بیت شعر هم از درک شما خارج است، این اسب آبی با اون اسب آبی‌ای که شما توی ذهنتون دارین خیلی متفاوت. اینجا منظورم تیم جلسی بود و خواستم بگم که هوادار این تیم هستم.
- پس لابد اونجا که گفتی: «سرنگ‌ها همگان قرمز و رنگ‌ها همگان قرمز، سماع مولویان قرمز، جهان کران‌به‌کران قرمز» هم منظورت تیم منچستر بوده؟ درسته؟
- می‌گم درک شعریت ضعیفه نگو نه! بالاخره ما هنرمندهای این آب و خاکیم، وقتی دیدم پرسپولیس داره میره فینال جام باشگاه‌های آسیا به این نتیجه رسیدم پرسپولیس بشم.
- احسنت!
- احسنت نگو!
- توی یکی دیگه از شعرهاتون گفتین مثل گاو می‌نوشیم. تا جایی که بنده اطلاع دارم مثل گاو می‌خورن، نمی‌نوشن!
- این هم از پایین بودن فهم ادبیاتی شماست، این‌ها همش استعاره است که از درک و توان ذهنی

- شما خارجه. ما درد جامعه داریم، اینجا منظورمون اختلاس‌گرها هستن، خواستیم بگیم بعد از هر اختلاس دیگه یه لیوان آب روش جواب نمی‌ده، باید مثل گاو یه گالن آب بخورن تا بره پایین.
- احسنت!
- معرفت داشته باش احسنت نگو!
- دلیل علاقه وافر شما در این آلبوم اخیر به حیوون‌ها چیه؟ از اسب گرفته تا اسب آبی و لاک‌پشت و گاو و ماهی و یوزپلنگ و جوجه اردک و قو توش حضور دارن؟
- هنرمند باید دغدغه داشته باشه، حفظ محیط زیست و حمایت از حیواناتی که در معرض انقراض هستن باید جزو وظایف هر هنرمندی باشه. توی آلبوم بعدی‌م می‌خوام در مورد اون ۱۰ تا الاغی که در عملیات زنده‌گیری ۵ تاشون مردن هم شعر بخونم.
- احسنت!
- شعورت همین قدره، بهت می‌گم احسنت نگو!
- یه نکته دیگه اینکه توی یکی از شعرهاتون گفتین: «جوجه اردک زشتم را به زیر بال و پرت قو کن» منظور تون از جوجه اردک زشتتون چیه؟
- خانواده نشسته داره پلخمون رو می‌خونه، از این سؤال‌ها نکن. تو سواد ادبیاتیت پایینه.
- راستی صحبت از سطح بالای ادبیاتی شد. نمی‌خواین اسم واقعی رئیس خوشگلا رو افشا کنین؟ همون ابرو کمون، گیسو طلا ...
- بقیه‌اش رو نگو. خانواده نشسته داره پلخمون رو می‌خوانه.
- عینک ربیون اصلتون رو بالاخره بهش دادین؟
- دارم از دستت کم‌کم ناراحت می‌شم، وقتی خبرنگاری خسته‌ام کنه عوضش می‌کنم، مثل همون خونه‌ام که کوچیک شد و... زنگ بزنی یه خبرنگار دیگه بفرستن.
- باور کن ما توی پلخمون هر کی رو بیشتر دوست داریم بیشتر اذیتش می‌کنیم، حالا چطور از دلتون در بیاریم؟
- من با هر کی مشکل دارم یک بستنی باهاش بخورم حل می‌شه، مثل همون بستنی‌ای که با مدیرکل دفتر موسیقی خوردم.
- و به عنوان سؤال پایانی، چرا خسته‌ای؟ چرا می‌خوای استراحت کنی؟
- هیچ می‌دونی برای خوندن هر ترانه چقدر باید زحمت بکشم؟ می‌دونی چقدر بهم فشار می‌آد؟
- احسنت!
- احسنت نگو، بستنی رو سفارش بده بخوریم بریم!

